

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.



## عید قربان در کلام رهبر معظم انقلاب

«در عید قربان یک قدرانی بزرگ الهی نهفته است از پیامبر بر گزیده‌ی حضرت حق، حضرت ابراهیم علیه‌السلام که آن روز ایثار کرد. بالاتر از ایثار جان، در مواردی ایثار عزیزان است، او در راه پروردگار، به دست خود عزیز یار قربان می‌کرده؛ آن هم فرزند جوانی که خدای متعال بعد از عمری انتظار، در دوران پیری به او داده بود.» این ایثار و این گذشت، یک نماد است برای مؤمنانی که می‌خواهند راه حقیقت را، راه تعالی را، راه عروج به مدار عالی راه طی کنند. بدون گذشت، امکان ندارد. همه‌ی امتحانهایی که ما می‌شویم، در واقع نقطه‌ی اصلی اش همین است؛ پای یک ایثار و یک گذشت به میان می‌آید. ۱۳۸۹/۰۸/۲۶

## یادداشت

سیره ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل تراز برای «آقازادگی»



حجت الاسلام والمسلمین طه موسوی  
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در موسسه آموزش عالی هلال

محمور بسیاری از گناهان از قبیل معاملات حرام، احتکار، خیانت در امانت، کم‌فروشی، رانت‌خواری و فساد ریشه در علاقه ذاتی انسان به مال و فرزندان دارد. مسلمانان مال‌غرض‌هایی را از افرادی دیده‌ایم که عامل اصلی آن گناه، فرزندانش بوده‌اند، چه بسا همین فرزندان در تصمیم‌گیری‌های حساس نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند که می‌تواند انسان را در معرض سقوط قرار دهند.

داستان آقازاده‌ها بحث دیروز و امروز نیست، بلکه این عامل امتحان الهی در طول تاریخ پیدایش انسان از بازیکران اصلی میدان بوده است. داستان پسر نوح و عقاید پدر می‌دانیم و البته رشادت و از خودگذشتگی علی اکبر جوان رعنا امام حسین (ع) را در روز عاشورا از مفاصل معتبر خواندیم و در منابر علما شنیده‌ایم. خوانده‌ایم که چگونه برای اهداف و عقاید پدر می‌جنگد و مرگ در راه خدا را سعادت می‌داند، البته جریان کریلاس دراز دارد، ولی آن چه مسلم است آقازاده‌ای به نام علی اکبر در کربلا چنان عمل می‌کند که خود هم و هم‌پدر از یک امتحان الهی سر بلند بیرون بیایند. در سراسر آموزه‌های دین اسلام هم در قرآن کریم و هم در کلام اهل بیت علیهم‌السلام دلایل متقنی بر حتمی بودن امتحان الهی وجود دارد که سخت‌ترین آن امتحان انسان با اولاد است، چرا که عشق به فرزند جاذبه غیر قابل وصفی دارد.

## در پیچه

نگاهی کوتاه به تاریخ اجتماعی حج در ایران

### حج در دوران قاجار



**هلیا منشساری** | حج ابراهیمی از مهمترین شاعران دین مبین اسلام به شمار می‌آید که مسلمانان در همه ادوار تاریخی پس از اسلام و تحت هر شرایطی در ماه ذی‌الحجه در این گردهمایی حضور یافته‌اند. ایرانیان هم در طول این سالیان از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و از زمان گرویدن به دین اسلام به استثنای چند مورد در این گردهمایی حاضر بوده‌اند. البته در بعضی از دوران‌های تاریخی این تکلیف الهی با توجه به دخالت‌ها و مسائل سیاسی سخت و دشوار صورت می‌پذیرفت، به‌طور مثال در دوره تاریخی قاجار تحت شرایط سخت و محدودیت‌های طاقت‌فرسای ناشی از تعصبات فرقه‌ای و روابط سیاسی، ایرانیان به این عبادت می‌پرداختند. در مجله میقات حج آمده: دشواری‌های حج در دوره قاجار به‌بیشتر در طول مسیر سفر بوده است. این مشکلات علاوه بر سختی‌های طبیعی و جغرافیایی، ناشی از آزار و اذیت ساکنان عرب و رویارویی زائران شیعه و سنی بوده است. ایرانی‌ها در آن دوره تاریخی برای رفتن به حج ۴ مسیر انتخابی داشتند (۱) مسیر دریایی جنوب ایران به جده، (۲) راه جبل، (۳) راه شام و (۴) راه اسلامبول به جده.

در کتاب سفرنامه میرزا داوود وزیر نیز آمده، از آنجایی که سرزمین حجاز در حوزه قدرت دولت عثمانی قرار داشت، انجام اعمال حج برای ایرانیان به‌نوعی بستگی به روابط سیاسی دولت قاجار و عثمانی داشت و تنها در شرایط خاصی این روابط به‌صورت حسنه درمی‌آمد.

شمار حجج ایرانی در این دوره در مقایسه با شمار کل حجج اندک به شمار می‌آمد و با توجه به آمارهای فرضی موجود ۵ تا ۸ درصد بوده است. زائر از هر مرزی که عبور می‌کرد وقتی وارد حجاز می‌شد، لزوماً باید پولی را بابت تذکره به دولت

«کمیل نظافتی»، طلبه فعال حقوق حیوانات:

# عده‌ای به اسم دین حیوان آزاری می‌کنند!

روایت «شهروند» از زندگی طلبه‌ای که با اهدای عضو ناجی یک کودک هشت ساله شد



شهروند | «کمیل نظافتی» روحانی جوانی است که این روزها در فضای مجازی به دلیل فعالیت‌های متفاوت در حمایت از حقوق حیوانات و طبیعت به یک چهره سرشناس تبدیل شده؛ طلبه‌ای که به خاطر جثه کوچک معروف شده به طلبه «۴۰ کیلویی». اما ماجرای کمیل را تنها نباید در فضای مجازی و پست‌های او دنبال کرد. «کمیل» را باید در فضای حقیقی و در همین کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر شناخت. مثلاً فتن به بیمارستان شهید بهشتی شهرستان بابل. دقیقاً هم بیمارستانی که او تکه‌ای از بدن خود را اهدا کرد. بله، اصلاً بگذارید ماجرا را از ابتدا و توصیف اضافی تعریف کنیم: کمیل نظافتی کلیه خود را به یک کودک هشت ساله اهدا کرد و از آنجایی که خانواده شخصی پذیرنده، وضع مالی خوبی نداشت، خودرویی خود را هم برای تامین هزینه عمل پیوند فروخت. پس دوباره می‌نویسم نامش «کمیل نظافتی» است؛ بزرگ‌شده امل. در ادامه گفت و گوی «شهروند» با این روحانی جوان را با هم می‌خوانیم:

• شما یکی از کاربران پر مخاطب در فضای مجازی هستی که فعالیت‌هایت با استقبال مخاطبان هم همراه شده، به نظر می‌رسد یکی از دلایل این محبوبیت هم فعالیت متفاوت شما در زمینه حقوق حیوانات است. اصلاً چرا به عنوان یک روحانی این عرصه را انتخاب کردی؟  
عرصه‌هایی همچون محیط زیست و حمایت از حقوق حیوانات، از جمله عرصه‌هایی است که به نظرم رسید روحانیت می‌تواند در آن نقش داشته باشد و در چارچوب دین و با رجوع به احکام اسلامی از آن دفاع کند. من احساس می‌کردم، عده‌ای به اسم دین حیوان آزاری می‌کنند، یعنی برخی از حیوان آزاری‌ها به اسم دین تمام می‌شود. دقیقاً همین خلل علت و مشوقی برای فعالیت‌های من شد.

• بیشتر در مورد فعالیت‌های صحبت کن...  
ما سعی کردیم با تشریح و تبیین نگاه دین به بحث حقوق حیوانات ورود کنیم، یعنی هم یک برداشت غلط در مورد دین را اصلاح و هم کاری کنیم که دیگر کسی جرأت ترویج چنین فرهنگ غلطی را با عنوان دین نداشته باشد. ثانیاً با این کار ما می‌توانستیم حامی حقوق یک‌سری از مخلوقات خدا باشیم.

• به فعالیت‌هایت در فضای مجازی اشاره شد،

موافق واژه «روحانی سلبریتی» که امروز به روحانیون بر طر فدر فضای مجازی گفته می‌شود، هستی؟  
من یک طلبه‌ام و به اسم طلبگی‌ام بیشتر می‌نامم تا واژه‌های مثل روحانی سلبریتی. شاید دیگران چنین برداشتی را با توجه به فعالیت‌های من در فضای مجازی داشته باشند، اما من دنبال چنین القایی نیستم و همین سادگی طلبگی را دوست دارم.

• در حمایت از حیوانات نگاه اسلام به چه نحوی است؟  
اسلام در رابطه با حمایت از حیوانات یک نگاه ویژه دارد که کمتر به آن توجه شده. مثلاً در اسلام توصیه شده: اگر یک ظرف آب داشته باشیم و وقت نماز فرا برسد و در این زمان حیوانی هم تشنه باشد، شمامحاق ندریداز آن ظرف وضو بگیرید و آن آب سبهم حیوان است. در این زمان شما باید با تیمم نماز بخوانید. یا در مورد دیگری آمده: سوار کار نباید یک پهلو روی حیوان بنشیند به نحوی که موجب اذیت و آزار حیوان شود.

• حیوان محبوب شما؟  
اسب.

• در آستانه عید قربان هستیم، اهل قربانی کردن هستی؟

اگر در توانم باشد، بله.

• اصلامیانه تان با گوشت چطور است؟  
من از افراط و تفریط بر حذر، اما سعی می‌کنم بیشتر غذای طبیعی مثل میوه‌جات و سبزیجات را مصرف کنم.

• چند سال است که از دواج کرده‌اید؟  
سال ۸۱ دواج کردم.

• اگر موافق هستید، در مورد سجاده صحبت کنیم...  
سجاده یک بچه هشت ساله است که چهار سال گرفتار دیالیز بود، عمل قلب‌باز و پیوند مثانه در کودکی، زندگی سجاده را سخت کرده بود. پزشک او هم گفته بود اگر پیوند کلیه صورت نگیرد، کبدش بزرگ می‌شود و این یک خطر جدی برای سجاده است. ما تصمیم گرفتیم سجاده را نجات بدهیم، پیوند کلیه انجام شد و سجاده نجات پیدا کرد.

• بعد از اهدای کلیه تان باز هم با سجاده در تماس بودی؟  
خیر. بعد از اهدای کلیه تا ۶-۵ ماهه از ارتباط بودم، اما بعد از مدتی احساس کردم که این دیدارها ممکن است با سوء تفاهماتی همراه شود. البته هنوز هم هراز چندگاهی همدیگر را می‌بینیم و از حال هم خبر داریم.

• اهل تماشای حیوانات در باغ وحش هستی؟

## نگاهی به یک ایثار

«سجاد» از همیشه شادتر به نظر می‌رسید، او حالا روبه‌روی کیک تولد هشت‌سالگی اش با لبخند نشسته، هشت‌سالگی که با در دور نچی به پایان رسید. تنها چهار سال آن به دلیل از بین رفتن کلیه‌ها یا دستگاه دیالیز همراه شد. چهار سالی که امید تنها مرهم سجاد و خانواده‌اش بود. فقط همین امید هم می‌توانست به زندگی آنها معنا ببخشد. این امیدواری هم آخر به نتیجه رسید و در یکی از پنجشنبه‌های اسفندماه طلبه‌ای که عیادت از بیمارستان را برنامه هر هفته او بود، با دیدن سجاد و شنیدن وضع او تصمیم بزرگی گرفت؛ تصمیمی که پزشکان و کادر درمانی بیمارستان را نیز به تعجب واداشت: «هدای کلیه».

بگذارید راوی ماجرا خود کمیل نظافتی یا بهتر همان طلبه اهداکننده باشد: یکی از کارهایی که من در حیطه طلبگی‌ام انجام می‌دادم این بود که شب‌های جمعه برای عیادت بیمارستان به بیمارستان‌های مختلف می‌رفتم، به همین منظور صبح‌روز پنجشنبه‌های برای عیادت از بیمارستان دیالیزی به بخش دیالیز بیمارستان شهید بهشتی بابل رفتم. در بخش دیالیز با سجاده آشنا و متوجه شدم نیاز به کلیه دارد، اما با توجه به وضع و شرایط خاص مالی که خانواده سجاد داشتند، امکان خرید کلیه برایشان وجود نداشت. وقتی فهمیدم مشخصات گیرنده کلیه به من نزدیک‌تر است، تصمیم گرفتم یکی از کلیه‌هایم را برای نجات جان سجاده اهدا کنم. وقتی تصمیم به اهدای کلیه گرفتم، نخستین کسی که موضوع را با من میان گذاشتم، همسر من بود. وقتی این موضوع را به او گفتم، خیلی حمایت کرد؛ از ابتدا تا انتهای مراحل پیوند خیلی به من روحیه می‌داد و همواره پشتیبان و همراه من بود.



اصلاً چنین کاری لذت نمی‌بیرم. آنها باید زندگی طبیعی خودشان را طی کنند.

• نظرت در مورد شستن خودرو با آب آشامیدنی چیست؟

من از این صحنه متنفرم.

• در مورد این چند کلمه یک جمله کوتاه بگو...  
سگ‌کشی

جنایت

بچه‌گره

ملوس

در پاچه‌ارومیه

مظلومیت‌آب

سیزده‌بدر

دوره‌می مناسب، همراه با آرامش، توأم با نظافت

• در مورد «کمیل نظافتی» کمی بر ایمان بگو.

یک طلبه ساده که عشق می‌کند در کنار مردم، برای مردم و با مردم باشد و خدمت کند برای آرامش همگی‌مان. کوتاه بگویم، کمیل دوست ندارد به کسی خیانت کند؛ چه انسان، چه حیوان و چه طبیعت.

## سرزمین حجاز در آستانه عید قربان



عکس‌ها: خبرگزاری فارس